

کتاب و کتاب‌پژوهشی

پایرگ (۲)

تقدیم به سیدعلی میرافضلی

جواد بشری

۶. اطلاعی از دیوان بندار رازی در سده هشتم

از بندار رازی سراینده چند زبانه قرن چهارم که به عربی، فارسی دری و لهجه رازی شعر می‌گفته، اکنون جز ابیات پراکنده چیزی در دست نیست. اما این وضع چنان که راجع به برخی دواوین مشهور است ربطی به حمله مغول یا امثال آن ندارد، بلکه قضیه به نداشتن مخاطب و خواننده بر می‌گردد. اشعار شاعری چون بندار را که بخشی از آنها به گویش رازی سده چهارم بوده، کمتر کسی در سده‌های بعد می‌فهمیده و از آن لذت می‌برده است. تازه اگر هم کسی در بلاد مرکزی یا غربی چیزی از آن اشعار سر در می‌آورده، ساکنان خراسان که هیچ از آن دستگیرشان نمی‌شده است، زیرا گویشی که در خراسان متداول بوده - همان که آن را به «فارسی دری» می‌شناسیم - با گویش‌های مرکز ایران و بلاد آذربایجان متفاوت بوده است.

به هر روی این مختصر درباره وجود دیوان بندار^۱ است در سده هشتم ق. پیشاپیش گفته شود که صاحب النقص (تألیف شده در قرن ششم) چنان از آن یاد کرده که گویا آن را در دست داشته است. او به ۲۷ قصیده بندار در مدح ابومنصور آبی و ابوسعید آبی - دو برادر که از وزیران محترم بوده‌اند - اشاره کرده است.^۲ همچنین حمد الله مستوفی در تاریخ گزیده درباره دیوان او گوید: «دیوان او مشهورست و معتبر ... و جموش نامه بندار شهرتی تمام دارد»^۳. نکته اساسی درباره اطلاع حمد الله مستوفی این است که دیوان شاعر را در منطقه قزوین و آذربایجان مشهور و معتبر می‌خواند و این تا حدودی طبیعی است، چون

در آن مناطق اشعار لهجه رازی فهمیده می‌شده است. اما آنچه اینجا عرضه خواهد شد - تا جایی که می‌دانم تاکنون کسی متذکر آن نشده است - اطلاع از وجود دیوان بندار است در بلاد شرق و شمال شرقی ایران در سده هشتم ق. این اطلاع را در نامه‌ای از جمال‌الدین ازهر هروی خطاب به مخدومش شیخ معین‌الدین جامی یافتیم که در فرآید غیائی^۴ آمده است. این

۱. درباره بندار رازی رک: فرهنگ سخنوران، ج ۱، ص ۱۴۲؛ محمود مدبری، شرح احوال و اشعار شاعران بی‌دیوان، ص ۳۶۶-۳۷۶؛ و نیز دو مقاله عباس اقبال و محمد محیط طباطبائی که در کار آقای مدبری بدان‌ها ارجاع داده شده است. همچنین رک: مدخل «بندار رازی» در این دو مأخذ: دانشنامه جهان اسلام، ج ۴، ص ۲۵۷-۲۵۸ از سید ضیاء‌الدین سجادی (تهران، ۱۳۷۷)؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۲، ص ۵۷۶ و ۵۷۷ از جلال خسروشاهی (تهران، ۱۳۸۳).
۲. تفسیرالدین ابوالرشید عبدالجلیل قزوینی رازی، بعضی مطالب النواصب فی نقض بعضی فضائح الروافض، به تصحیح استاد فقید میرجلال‌الدین محدث، ص ۲۱۹ (انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸).
۳. تصحیح عبدالحسین نوائی، ص ۷۲۳ (چاپ سوم، امیرکبیر، ۱۳۶۴).
۴. فرآید غیائی، مجموعه بیش از ششصد نامه دیوانی، درباری، دوستانه و عارفانه است که به همت فاضلی گمنام موسوم به جلال‌الدین یوسف اهل جامی از مردمان سده نهم ق گردآوری و در ده باب تدوین شده است. درباره ارزش این گنجینه در اینجا نمی‌توان حرفی زد، چرا که حق مطلب ادا نخواهد شد. پنج باب نخست این اثر ارزشمند را حشمت مؤید به بهترین وجهی با استفاده از تمام نسخه‌های موجود آن (شش دستنویس) تصحیح و منتشر کرده است. از قرار معلوم به دلیل نایابی آن و نیز چاپ نشدن دو جلد دیگرش قرار است انتشارات اساطیر این اثر را

خذلان منکوس، بحق الملک القدوس.

بنده مخلص ترین، مرکز اخلاص به لب نیاز پوسیده [کذا] بندگی عرضه می دارد و به دعاگویی دوام دولت و نظام مملکت مخدوم عز نصره - که ورد معتاد اوست - مشغول می باشد، قرین اجابت باد.

درین وقت که رکاب عالی بصوب باخزرز رفته بودند بر مقتضای ع [علامت مصراع] «اذا دنت المسافة زاد شوقی» غلبه نزاع که به حد «لا طاقة لنا به» رسیده بود در هیجان آمد. ارادت آن بود که از سر قدم ساخته خاک بارگاه ممالک پناه را توتیای دیده رمد دیده هجران کشیده سازد. به اعدار واضح که از شرح و بسط مستغنی است میسر و مسلم نشد و مخدوم - عز نصره - به تشریف التفات خاطر می که پیوسته از آن حضرت متوقع بوده و دل بدان انس گرفته، بنده قدیم الاخلاص قویم الاختصاص را مشرف نفرمود، گفتم: شعر

یا من نسبت مودتی فترکتی
شکو الیک من الصدور طویلا
ما کنت احسب ان مثلک لا تفی
بمهوده و تری الجفء جمیلا

➤ در چهار مجلد روانه بازار کند. نامه مورد استفاده در نوشته حاضر در باب ششم یعنی بخش چاپ نشده کتاب قرار دارد که از روی نسخه دانشگاه تهران، شماره ۴۷۵۶ (عکس ۵۷۷۶ دانشگاه)، صفحه ۵۳۲ نقل شد. این نامه در نسخه برلین نیز باید وجود داشته باشد که بدان دسترسی نبود. مشخصات دو جلد چاپی کتاب چنین است: جلال الدین یوسف اهل، فرزند غیثی، حشمت مؤید، بنیاد فرهنگ ایران، ۲۵۳۶ (جلد اول) و ۱۳۵۸ (جلد دوم). درباره مشخصات نسخه دانشگاه نیز رک: محمدتقی دانش پژوه، فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۴، ص ۳۷۱-۳۸۵ و ۴۰۵۷-۴۰۶۴. به نامه مورد بحث ما در صفحه ۳۷۷۰ این فهرست اشاره شده است.

۵. عمر رضا کحاله، معجم المؤلفین، ج ۸، ص ۲۳۰.
۶. محمد عوفی، لباب الالباب، سعید نفیسی، ص ۱۸۱-۱۸۳ (اسفند ۱۳۳۵)؛ مجمع الفصحاء، ج ۱، ص ۸۸ (چاپ سنگی، تهران) و چاپ استاد مظاهر مصفا، ج ۱، ص ۲۳۲-۲۳۴. هدایت نسبت این شاعر را هر وی نوشته است که پس از بررسی دانسته شد در مأخذ او یعنی عرفات العاشقین بلیانی چنین ثبت شده است رک: عرفات العاشقین، ص ۷۳ (نسخه کتابخانه ملک). بلیانی پس از ذکر دو شعر این شاعر درباره قصیده مرفوعه به چشم؛ گوید:

«و مؤلف در سنة الف [۱۰۰۰] که از فارس به عراق مراجعت نمود، این قصیده چشم رده را در اثنای رمد گفت و با آنکه اکثر اوقات به همین بلیه گرفتار می شود بعد از گفتن آن تا نهایت که هزار و بیست و هفت است، لله الحمد که دیگر [اصل: دیگری] اثری از آن ندیده، والله اعلم و اوایل قصیده بنده این است:

آوخ که گشت از مردم بپرار چشم

چون دل مرا ز کاوش غم شد فگار چشم (ص ۷۳)

جمال الدین ازهر هروی ربطی به جمال الدین ازهر صاحب تهذیب اللغة ندارد که از مردمان سده چهارم ق است و در ۳۷۰ یا ۳۷۱ ق در گذشته است^۵ و گویا از جمال الدین ازهری مروزی نیز جدا باشد که دو شعر از او در لباب الالباب عوفی نقل شده که یکی قصیده ای است در مدح تاج الدین محمد اسمعذ یا به روایت رضا قلی خان هدایت، سراج الملک تاج الدین محمد^۶، چرا که مخدوم مورد خطاب در این نامه، شخص شناخته شده ای است که نامه های متعددی از او یا به او در فرزند غیثی هست و در تعلق او به سده هشتم تردیدی وجود دارد.

در نامه حاضر، جمال الدین ازهر هروی که از درگاه معین الدین جامی دور افتاده است، پس از بازگشت او از سفر باخرز و پس از آنکه موفق به شرفیابی به حضور او نمی شود، برای اثبات ارادتش به مخدوم دیوان بندار رازی را به دست «امیر حسن» برای معین الدین جامی می فرستد. از توضیح مهمی که ازهر هروی درباره دیوان بندار می دهد برمی آید که آنچه او در دست داشته ناقص (ایتر) بوده است. آیا بخش هایی که در اختیار ادب دوستان سده هشتم شرق ایران بوده است، اشعار سروده شده بندار به فارسی دری بوده و آیا دیوانی که در اختیار حمدالله مستوفی قرار داشته کل اشعار او را شامل می شده که هر سه بخش فارسی دری، لهجه رازی و سروده های عربی را داشته است؟ شاید پاسخ به این سوال ها مثبت باشد.

متن نامه جمال الدین ازهر هروی چنین است:

«من انشاء مولانا جمال الدین ازهر الهروی الیه [= خواجه معین الدین جامی] روح الله تعالی روحهما:

سال ها مهر خدمتش ورزم

به سلامش هم نمی آرم

جناب معالی مخدوم، شیخ الاسلام الاعظم، سلطان سلاطین مشایخ العالم، خواجه معین الحق والدین، مقتدای روی زمین، شعر

اشارتی به معالیش بس که دولت را

تفاخرست به نامش چه جای القابست

عز نصره و مدالی انفضاء الادوار عصره، از حوادث زمان و طواری حدثان مصون و محروس باد و رایات اعادی در معسکر

اما بنده دعاگوی به هر حال همان طریقه بندگی و هواخواهی مسلوک می دارد و قاعده خدمتکاری ممهّد. کتاب دیوان بُندار رازی هر چند ابتر شده است اما چون اهمّیّتی بود بدان بر دست مولانا معظّم شرف الملة والذین امیر حسن - زید فضلّه - عرض کرد ؛ محلّ قبول یابد ان شاء الله وحده العزیز .

گستاخی از حد گذشت . به کمال کرم معذور فرماید . عظمت و کامرانی در نفاذ الامر و روانی موبّد ، بحقّ من لانی بعدّه . العبد الاصغر ، ازهر .

۷. کهن ترین نسخه خطی معیار الاشعار از عصر حیات خواجه نصیر از معیار الاشعار ، این اثر معروف و شناخته خواجه نصیر الدین طوسی (در گذشته به سال ۶۷۲ ق) ، نسخه های چندی موجود است و چاپ هایی نیز دارد که نظر به اهمّیّت آن همیشه مورد استفاده بوده است . از نسخه های کهن آن باید به نسخه کتابخانه احمد ثالث استانبول مورخ ۷۰۲ ق - که با نسخه مقابله شده و خوانده شده بر خواجه مقابله گردیده - و دو نسخه قرن هشتمی دیگر (مورخ ۷۱۶ و ۷۲۰ ق) اشاره کرد (فهرست نسخه های خطی فارسی ، ج ۳ ، ص ۲۱۷۵) . همین نسخه استانبول است که به همت دو تن از اساتید اصفهان به صورت چاپ عکسی به همراه چهار فهرست مفید منتشر شده است ۷ . و باز بر اساس همین نسخه چاپ عکسی است که دو تصحیح از آن به کوشش استاد تجلیل و خانم اقبالی عرضه گردیده است ۸ .

اما با توجه به یافته های اخیر کتابخانه بزرگ حضرت آیه الله العظمی مرعشی (ره) کاری مجدد بر روی این متن ضرورت دارد . یک نسخه از معیار الاشعار در کتابخانه مزبور وجود داشت که قدمت آن به قرن نهم ق باز می گردد . در سال های اخیر نیز دو مورد دیگر به گنجینه کتابخانه افزوده شد ۹ که یکی از آنها انگیزه نوشتن این یادداشت است . نسخه ای کهن از عصر حیات خواجه که در ۶۷۰ ق و در فرهنگ شهر حکومت ایلخانان ، تبریز کتابت شده است . معیار الاشعار مورد بحث در بین مجموعه ای به شماره ۱۲۴۱۲ شامل پنج رساله قرار دارد که چهار مورد آن از خواجه است (جامع الحساب بالتخت والتراب ، آغاز و انجام ، التذکرة النصیریة و معیار الاشعار) و در کل ۱۹۷ برگ ۶ × ۱۳ سانتی را در بر می گیرد . در پایان رساله اول و دوم ، کتاب مجموعه ، «احمد بن محمود بن ابی بکر البناکتی» تاریخ ۶۷۰ زده است که در مورد دوم به محل کتابت یعنی «مدینه تبریز حمها الله» نیز اشاره نموده . بقیه اجزای مجموعه نیز به همین خط و در همان کاغذ باقی بخش هاست و در همان زمان کتابت شده است ۱۰ .

نکته جالب توجه درباره سرگذشت این نسخه که در اینجا لازم است بدان اشاره کنم - چنان که در فهرست کتابخانه از آن سخن رفته است - این است که نسخه مزبور پیش از این در کتابخانه شخصی محمود نجم آبادی قرار داشته که آقای دکتر مرعشی آن را به وساطت منوچهر زری باف برای کتابخانه خریده اند .

پیش از این نیز استاد مدرس رضوی در مقدمه تصحیح مجدّد المعجم شمس قیس ، آنجا که بر تردید نادرست مرحوم قزوینی و دو تن از خاورشناسان (ریو و بلوشه) استدراکی مفید زده و انتساب معیار الاشعار را با دلایل مقبول به خواجه تأیید کرده است ، از نسخه خاندان نجم آبادی یاد می کند و می نویسد :

«و قدیم ترین نسخه ای که از کتاب معیار الاشعار به نظر نگارنده رسیده نسخه ای است ضمن مجموعه ای از تألیفات خواجه که به سال ۶۷۰ نوشته شده و متعلق به خاندان محترم نجم آبادی می باشد .» (شمس الدین محمد بن قیس الرازی ،

۷. خواجه نصیر الدین طوسی ، معیار الاشعار در علم عروض و قوافی ، به اهتمام محمد فشارکی - جمشید مظاهری ، سهروردی ، اصفهان ، فروردین ۱۳۶۳ . دکتر فشارکی همچنین قرار است که متن تصحیحی این اثر را توسط مرکز نشر «میراث مکتوب» منتشر کند .

۸. خواجه نصیر الدین طوسی ، معیار الاشعار ، تصحیح جلیل تجلیل ، چاپ اول ، جامی - ناهید ، چاپ اول ، پاییز ۱۳۶۹ - این تصحیح هیچ فهرستی ندارد ؛ معظّمه قبالی (اعظم) ، شعر و شاعری در آثار خواجه نصیر الدین طوسی ، به انضمام مجموعه اشعار فارسی خواجه نصیر و متن کامل و منقح معیار الاشعار ، چاپ اول ، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، تابستان ۱۳۷۰ .

۹. در کتاب شناسی آثار خواجه رشید در کتابخانه مزبور این سه نسخه معرفی شده است ، رک : سید محمود مرعشی نجفی ، فهرست دست نوشته های آثار خواجه نصیر الدین محمد بن محمد طوسی در کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) ، (چاپ اول ، قم ، ۱۳۸۴) . نسخه اول به شماره ۷۳۰۸/۴ و مورخ ۸۸۹ ق و نسخه دیگر به شماره ۱/۱۳۸۴۶ و مورخ ۸۴۳ ق است .

۱۰. برای اطلاع بیشتر به توصیف خوبی که از این مجموعه در فهرست کتابخانه شده است مراجعه شود ، رک : سید محمود مرعشی با همکاری گروه فهرست نگاران کتابخانه ، فهرست نسخه های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره) ، ج ۳۱ ، ص ۳۷۳ - ۳۷۷ و ۸۵۶ - ۸۶۱ (که عکس های واضحی از شش صفحه نسخه را در اختیار می گذارد) و ج ۳۲ ، ص ۱۶۳ - پاورقی (۱۳۸۲) .

احیای میراث اسلامی ایران از خاندان محدث ارموی خریداری کرد، نسخه ای هست به شماره ۴۲۳۶ - مرکز احیاء که به خط نسخ تحریری نیمه دوم سده هشتم قی کتابت شده است. از آنجا که این کتاب هنوز جزو فهراس چاپی مرکز احیاء معرفی نشده، به لطف استاد اشکوری عکسی از آن به دست آوردم تا بررسی اش کنم.

نسخه پر است از جدول ها و دوایر نجومی و چند نمونه تصویر اسطرلاب. از آنجا که «اول و آخر این کهنه کتاب افتاده است»، پس از مقایسه آن با اولین نمونه محتمل معلوم شد که نسخه ای است از التفهیم ابوریحان بیرونی و چون دستنویس نسبتاً کهنه و مضبوطی است به اختصار برخی ویژگی ها و نقایص آن را برمی شمردم.

می دانیم التفهیم دو بار در عصر حیات استاد جلال همایی به طبع رسید، یکی در سال ۱۳۱۸ ش (تاریخ انتشار) که مطبوعه مجلس آن را چاپ کرد و دیگری را انجمن آثار ملی در سال ۱۳۵۲ نشر داد. در چاپ بسیار معتبر علامه از چهار نسخه کتاب استفاده شده که به ترتیب قدمت عبارت اند از: نسخه متعلق به شیخ علی اکبر خدابنده خراسانی که بعداً به مجلس منتقل شد مورخ ۵۳۸ ق، نسخه ملکی علامه همایی مورخ ۵۹۳ ق، نسخه ادیب السلطنه، فرماندار آذربایجان که کتابت آن پیش از قرن هفتم تخمین زده شده و نسخه بسیار جدید کتابخانه مدرسه سپهسالار (مطهری فعلی). در فهرست استاد منزوی غیر از این چند نسخه از نسخه های دیگری نیز یاد شده که جز نسخه موزه بریتانیا مورخ ۶۸۵ ق (میکروفیلم ۶۹۰ دانشگاه تهران) همگی از سده سیزده ق به بعد هستند (فهرست نسخه های خطی فارسی، ج ۱، ص ۲۶۵-۲۶۶). با این اوصاف دستنویس های قدیمی کتاب التفهیم زیاد نیستند و نسخه حاضر با وجود افتادگی های فراوان جزو نمونه های خوب و کهنه کتاب به شمار می رود.

۱۱. امیرحسین عابدی، گفتارهای پژوهشی در زمینه ادبیات فارسی، گردآوری سید حسن عباس، ص ۱۷۹-۱۶۱ (بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، تهران، ۱۳۷۷). این مقاله پیش از این در مجله قند پارسی، شماره ۶، زمستان ۱۳۷۲ چاپ شده بود.
۱۲. زبیده صدیقی، دیوان سیف الدین اسفرنگی، مولتان، ۱۳۵۷ ش / ۱۹۷۹ م. در اینجا استناد از نسخه ای از دیوان شاعر خبر می دهم که در کتابخانه عبدالحسین بیات بوده و اکنون به شماره ۱۸۲ در کتابخانه آگای صدوقی در نزد نگهداری می شود. این نسخه حجیم، مورخ ۱۰۱۸ ق و کتابت شده در هرات است، رک: سیداحمد حسینی، فهرست نسخه های خطی کتابخانه صدوقی یزدی، ص ۱۴۴ و ۱۴۵، (مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۳).

المعجم فی معاییر اشعار العجم، به تصحیح علامه محمد بن عبدالوهاب قزوینی، با مقابله با شش نسخه خطی قدیمی و تصحیح مدرس رضوی، کتابفروشی تهران، ص لج-مقدمه).

۸. دیوان «عطارد» شاعری از سده ششم یا دیوان سیف الدین اسفرنگی مقاله ای در مجموعه مقالات امیر حسن عابدی با عنوان «دیوان عطارد»^{۱۱} قرار دارد که آن را شاعری از سده ششم و هفتم ق و عصر سلجوقی معرفی کرده است. عابدی از نسخه دیوان که در کتابخانه مهاتما گاندی بمبئی نگهداری می شود استفاده کرده و با دقت و به تفصیل هر چه تمام تر محتویات آن را بر شمرده است. وی با توجه به ابیاتی مانند ابیات زیر تخلص شاعر را «عطارد» تشخیص داده است:

ای برادر چون «عطارد» خامه انشا شکست
چون بود بر اخترانم شعر کس را یآوری (ص ۱۷۵)

«عطارد» در انعام ارباب حاجت

به املائی کلک تو فرمان نوشته (ص ۱۷۷)

خوانندگان محترم قضاوت خواهند کرد که در این ابیات عطارد منظور همان سیاره تیر است که در بینش قدما، دبیر فلک دانسته می شده و ضمناً لحن ابیات طوری نیست که از آنها بر آید «عطارد» تخلص شاعر است.

خوشبختانه در مقاله مزبور نام ممدوحان شاعر به همراه مصرع اول آغاز هر قصیده مدحی نقل شده است. پس از بررسی نام ها برخی را آشنا یافتیم و در هویت شاعر تردید کردم. همین تردید باعث شد جستجوی آغاز شود که خوشبختانه به نتیجه رسید. نسخه دیوان معرفی شده در آن مقاله دستنویسی بود از دیوان سیف الدین اسفرنگی، شاعر سده ششم و هفتم که در قصیده سربایی به شدت پیرو سبک خاقانی شروانی است. دیوان شاعر مزبور را خانم زبیده صدیقی تصحیح و چاپ کرده است که می توان بدان مراجعه کرد^{۱۲}.

۹. کتاب نجوم کهنه فارسی

در ردیف نسخه های ارزشمندی که چند سال پیش مرکز

این نسخه ۱۲۵ صفحه دارد که در هر صفحه متنی (و نه جدولی)، هجده سطر نوشته شده است. خط نسخ بسیار خوانایی دارد که با توجه به مضبوط بودن نسخه گویا کاتبی اهل فن آن را استنساخ نموده است. در دستنویس حاضر آثار مقابله و تصحیح نیز دیده می شود که گویا یک بار به نیت تصحیح با نسخه ای که از روی آن نوشته شده، افتادگی ها با علامت «ص» در حاشیه جبران شده و بار دیگر طی مقابله با نسخه ای دیگر موارد اختلاف (نسخه بدل ها) با علامت «ح ر» در کنار اوراق مشخص شده است. عناوین بخش ها با قرمز یا سیاه و کمی درشت تر از متن کتابت شده است و چنان که گفتم کتاب پر است از جدول و دایره.

اما افتادگی های نسخه حاضر چنین است که بین صفحات ۱۲ و ۱۳ و همچنین ۲۴ و ۲۵ افتادگی دیده می شود و پابرجا

با آغاز مطلب صفحه بعد نمی خواند. اکنون محتویات این نسخه را در قیاس با نسخه چاپی برمی شمردم:

- از آغاز تا ص ۱۲، مطابق با ص ۲۴۵-۲۶۸ چاپی.

- از ص ۱۲-۲۴، مطابق با ص ۲۲۱-۲۳۸ چاپی.

- از ص ۲۵-۱۲۵ (پایان) مطابق با ص ۲۷۳-۴۲۸ چاپی.

یکی از مالکان نسخه در یادداشتی بسیار جدید در صفحه اول کتاب نوشته است «هذا فی ملکی، عهده علی» و مهوری نیز از خود به جای گذاشته است. در اینجا تصویر دو صفحه از این دستنویس را که هر یک از جهتی اهمیت دارد می آورم. یکی صفحه دوازده (مطابق با ص ۲۶۶ چاپی) که در حاشیه و به همان خط متن مطلبی با عنوان «و نام ماه های سفیدبان شمسی اینست» آورده و دیگر صفحه ۳۵ که در آن تصویر اسطرلاب آمده است (مطابق با ص ۲۸۶ چاپی).

بدین کسی دیگر را از این کوچه صبر کنی نیست براتی را و هرگز هورا
 اندر شهر ما شده این روزگارهاست و بیان عید کنند و
 بازار کارها سازند بجا های معلوم و کنگر دانستن یک یک بازار
 بر دستخواهست را بچند دانستیم بجا یک ماه یاد کردیم کند خور
 او بود...
 یست ترا اندر ما می خورش میداست رخسند از جنبه کیش آن
 افانها خوانند و آن ما را جان حاصل شد که پسندید بود
 و مردمان بخارا ماها کسند یا نیز نخستین و دور و دور ام ناکسند
 بنامای خویش بخوانند و اندک بازارها سازند و بازار بازار
 ما خیره نخستین و دور و دور است و همین حکایت کردند که بدین
 در بازار زد و دزد فرو شدند و همه تحلیطها بکاره ازند و بدل از جهت
 نبود و نخستین دور سیزدهم از ماه سیورمان که نیز است
 و دور و دور سیزدهم از ماه چهار در یک بازار تو را سیر و در نیست
 بزرگ را بآبادان و با نوزدهم روز از مرغیندا ما و ششم و هفتم و نهم
 این بازار و بازار جرح هم نوزدهم است ده روز باشد و آغاز آن
 پانزدهم مسافری ساد هم حرم است چه است... گفتند خزان
 سفیدیست بر چند سفیدبان بکاره از نوزدهم بخار است و بخار
 این را نشان کسند بود از بدین زمان خزان خاتمه روز هفتم از

همه
 جرح
 نامهای سفیدبان مسافریست
 در جرح...
 مسافریست...
 ح... مسافری...
 و... مسافری...
 این را نشان کسند بود از بدین زمان خزان خاتمه روز هفتم از

«مؤلف و دیگران» دانسته بود. در مقاله مفید خانم تفضلی درباره نسخه های اصل» نیز از این دستنویس یاد شده است که ایشان نیز مطلب را از فهرست تک جلدی مزبور گرفته اند^{۱۵}. ولی با توضیحی که از جناب آقای حافظیان در ذیل مقاله یاد شده می خوانیم مطلب حل می شود. ایشان نوشته اند: «در فهرست جدید و منتشر نشده کتابخانه آیه الله گلپایگانی (ره) این نسخه از سده یازدهم معرفی شده است، بدون نام کاتب و بدون ذکر تاریخ دقیق کتابت». پس نسخه مورد بحث به اشتباه خط مؤلف دانسته شده است.

گفتنی است حضرت حافظیان مقدار زیادی از نسخ کتابخانه گلپایگانی را به تفصیل فهرست کرده اند که منظورشان از فهرست جدید و منتشر نشده، همان است. فهرست مزبور که نیم دیگرش را جناب صدرائی خوبی نوشته اند، سال هاست زیر چاپ و به مراتب دقیق تر و علمی تر از فهرست تک جلدی مورد بحث است.

۱۱. نسخه «مزارات کرمان» اثر محرابی کرمانی

هر کس مقدمه نماینده مجلس شورای ملی شهر کرمان سید محمد هاشمی کرمانی را بر مزارات کرمان که به اهتمام حسین کوهی کرمانی چاپ شده،^{۱۶} بخواند شاید با این سؤال مواجه شود که نسخه منحصر به فرد کتاب اکنون کجاست؟

در پیشگفتار حسین کوهی و نیز مقدمه آقای هاشمی کرمانی آمده است که نسخه ای از مزارات کرمان - که منحصر به فرد بوده - در کتابخانه شعاع الملک شیرازی قرار داشته است. آقای هاشمی چند مرتبه ای به واسطه های مختلف نسخه را طلب می کند که هر بار به نتیجه ای نمی رسد تا اینکه در ۱۳۲۲ ش شاگرد سابقش آقای غلامرضا مرشدی کرمانی از نسخه اصل رونوشتی برای او تهیه کرده به تهران می فرستد. آقای هاشمی هم نخست برای انتشار کتاب به شکل محدود پس از تهیه رونوشتی دیگر از کار آقای مرشدی متن را ماشین کرده آن را در اختیار برخی محققین قرار می دهد. این کار همزمان می شود با فوت شعاع الملک شیرازی و انتقال تمامی کتاب های او به بنگاهی که سید عبدالله مزارعی در خیابان شاه آباد سابق در تهران تأسیس کرده بوده است.

از این به بعد پای کوهی کرمانی ناشر و مدیر «نسیم صبا» به جریان باز می شود. وی که پس از مرگ شعاع الملک از طریق آقای هاشمی از وجود چنان دستنویسی مطلع شده، پس از پیگیری مطلع می شود که نسخه نزد آقای مزارعی مؤسس بنگاه کتاب خیابان شاه آباد است. نزد او می رود و به هر قیمتی شده آن را می خرد و این سرآغازی برای چاپ کتاب است. گویا از این تاریخ به بعد است که سعید نفیسی از این دستنویس نسخه ای

برای خود نوشته (به دست عزت الله فریور) و آن را در حواشی تصحیح کرده است^{۱۷}.

در سرگذشت این دستنویس، برای خودم مهم بود بدانم پس از درگذشت تمامی کسانی که نامشان را در سطور قبل دیدیم، بر سر این نسخه چه آمده است تا اینکه سالیانی قبل به معرفی نسخه ای از کتاب مزارات کرمان در فهرست کتابخانه بزرگ آیه الله مرعشی برخوردیم. در جایی یادداشت کردم که نسخه را یک بار از نزدیک زیارت کنم. اما این مهم دست نداد تا اینکه روزی دوست دانشورم آقای بهروز ایمانی - که دقیق تر از من فهرست مرعشی را دیده بود - اشاره کرد نسخه مرعشی همان نسخه شعاع الملک است، زیرا در فهرست آن کتابخانه به یادداشت تملک شعاع الملک بر روی نسخه اشاره شده است و چون این امکان برایم بود که نسخه مرعشی را از نزدیک ببینم و از جزئیات آن مطلع شوم این یادداشت را ترتیب دادم.

نسخه کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی که در جلد پانزدهم فهرست آنجا معرفی شده^{۱۸}، به یقین همان نسخه شعاع الملک شیرازی است^{۱۹} که پس از درگذشت او نصیب حسین کوهی

۱۵. مریم نفیسی، نسخه های اصل از سده نهم هجری، نسخه پژوهی، به کوشش ابوالفضل حافظیان بابل، ص ۳۰۹ (تهران، ۱۳۸۵).

۱۶. تذکرة الاولیاء محرابی کرمانی یا مزارات کرمان، به راهنمایی و مسامی جناب آقای سید محمد هاشمی کرمانی (نماینده سابق مجلس شورای ملی)، به اهتمام و سرمایه حسین کوهی کرمانی (مدیر روزنامه نسیم صبا)، ۱۳۳۰ خورشیدی؛ تجدید چاپ شده با حروفچینی جدید به مشخصات زیر: تذکرة الاولیاء محرابی کرمانی یا مزارات کرمان، به اهتمام حسین کوهی کرمانی، چاپ دوم، مرکز کرمان شناسی، ۱۳۸۳.

۱۷. این نسخه اکنون به شماره ۵۷۷۶ در دانشگاه تهران نگهداری می شود، رک: محمدتقی دانش پژوه، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ج ۱۶، ص ۸۸، تهران، ۱۳۵۷؛ احمد مزوری، فهرستواره کتاب های فارسی، ج ۱، ص ۲۴۹ (چاپ اول، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۴).

۱۸. سیداحمد حسینی، فهرست نسخه های خطی کتابخانه حضرت آیه الله العظمی نجفی مرعشی، ج ۱۵، ص ۱۹۵.

۱۹. دو صفحه تصویر نسخه که در انتهای مقدمه چاپ نخست مزارات کرمان آمده است با اصل نسخه در کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی مطابقت داده شد.

زمخسری که پیش از این استاد فروزانفر راجع به آن مقاله ای نوشته بود که مستند او نسخه بسیار جدید الکتابت ملکی خودش بود و حالا نسخه مرعشی دومین و کهنه ترین نسخه آن است.

در این مختصر بنا دارم علاوه بر دو رباعی کتابت شده در نظامیه رقم های کاتبان مجموعه را هم نقل کنم، ولی چون مقدمه از ذی مقدمه طولانی تر خواهد شد، نخست به ذکر رباعی های پدرازم. در صفحه ۱۸۶ دو رباعی زیر به سال ۷۵۷ ق در نظامیه اصفهان به دست حاج حسن یزدی کتابت شده است:

«گر یار ز من یاد نیارد چکنم
و ر بر دل من غصه گمارد چکنم
گویند کی دردت بوفا به گرد
چون دلبر من وفا ندارد چکنم
روی تو [و/ب] آفتاب نتوان گفتن
موی تو و مشک ناب نتوان گفتن
هر چند کی در کمند زلف تو فتاد
هم ترک دل خراب نتوان گفتن»^{۲۰}

حرره العبد الفقیر المحتاج الی رحمة ربّه الحاج حسن الیزدی فی ثالث ذی القعدة، سنة سبع و خمسين و سبعمائه، نظامیه اصفهان بوقت فتح و الحمد لله علی کل حال و صلّ الله علی سید المرسلین و خاتم النبیین محمد و اله اجمعین» (ص ۱۸۶).

مجموعه حاضر را گویا چهار یا پنج کاتب کتابت کرده اند. مطلب در اینجا با نقل رقم های ایشان هویدا خواهد شد.^{۲۱}

- رقم کاتب بخش اول مجموعه، در ص ۱۲۱: «تم علی یدئ العبد الضعیف المحتاج الی رحمة الله وغفرانه، مهدی بن المظفر بن العدل، غفر الله ذنوبه و ستر عیوبه و کشف کروبه، لأجل خزنة کتب مولائی و ابن مولائی الصدر الکبیر الامام العالم العادل المویذ المنصور المظفر، ملک [ال]قضاة و العلماء»^[ع] امتحان الاکابر و الفضلاء»^[ع]، فرید الدهر، وحید العصر، شافعی زمانه، بها»^[ع] الملة و الدین، عین الاسلام و المسلمین، حرس الله معالیه و کبت اعادیه و رحمه الله والده بغفرانه و بواءه مبوأ الصدیقین فی غرفات جنانه، امین رب العالمین.

۲۰. بعداً نقطه «ن» در کلمه «نتوان» را خط زده و زیرش نقطه گذارده اند تا بشود «بتوان». اما مصرع چهارم را فراموش کرده اند تا چنین کنند. در اینجا صورت اولیه لحاظ شد.

۲۱. از جناب استاد اصفیائی که در کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی با حوصله و مهارت مخصوص خود در حل مشکلات لا ینحل قرائت این رقم ها بنده را یاری دادند سپاسگزاری می کنم. البته اگر اشکالی در خواندن واژه ها باشد متوجه حقییر است، چون فقط درباره برخی کلمات از استاد سوال کردم، نه همه آنها.

کرمانی شده و از آن پس نمی دانم به چه طریقی به کتابخانه بزرگ مرعشی راه یافته است.

مشخصات این نسخه همان است که در «قسمت دوم - معرفی از نسخه اصل» از مقدمه آقای هاشمی بر مزارات آمده است. تنها نکته ای که درباره آن بایست افزود راجع به تاریخ کتابت دستنویس است. شعاع الملک در یادداشت آغاز نسخه نوشته است: «این کتاب در سنه ۹۲۵ هجری قمری نبوی - صلی الله علیه - تألیف شده و به خط خود مؤلف است. عدد اوراق ۸۱، عدد صفحات ۱۶۲، حرره محمد حسین شعاع الملک فی یوم شنبه ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۴۷ هجری قمری».

در مقدمه هاشمی نیز تنها چیزی که در این باره آمده این است که «مرحوم شعاع الملک نسخه را نسخه اصل و خط مؤلف معرفی کرده. نگارنده در صدد اقامه دلیل بر اثبات یا نفی موضوع نبوده و نیست. آنچه تاکنون تحقیق شده نسخه دیگری از آن را سراغ نکرده ایم» (صفحه هفده).

برای اینکه تاریخی که در برگ نهایی کتاب آمده تاریخ کتابت تصور نشود، باید توضیح دهم که یکی از مالکان نسخه بر پشت برگ پایانی، پس از نوشتن یک رباعی، چنین آورده است: «این دو کلمه به تاریخ ۲۰ شهر ذی الحجة [ال]حرام سنه ۱۰۵۶ بر سبیل یادگاری قلم شد، کمترین خلائق ملک ابوالحی».

پس گفته هاشمی را بایست تکرار کرد با این تفاوت که نسخه به یقین پیش از ۱۰۵۶ ق کتابت شده است و شاید از سده دهم باشد.

۱۲. دو رباعی کتابت شده در نظامیه اصفهان از سده هشتم

در نسخه شماره ۴۰۴۸ کتابخانه آیه الله مرعشی (ره) که گنجینه ای از ادبیات عرب و فوق العاده نفیس کتابت شده در نیمه سده هفتم است، برخی ابیات فارسی وجود دارد که دو مورد آن انگیزه نوشتن این یادداشت شد.

مجموعه حاضر برخی رسالات منحصر به فرد را شامل است که از موضوع این نوشته و صلاحیت نویسنده خارج است. فقط اشاره می کنم به نزهة العشاق عین القضاة همدانی که تک نسخه آن در همین مجموعه است و استاد فاضلم، دکتر مصطفی موسوی آن را از روی همین منبع تصحیح کرده است یا الزاجرة للصفار اثر

و وقع الفراغ منه في غرة شهر الله المبارك، رمضان سنة خمس وخمسين و ستمائة».

- کتاب بخش دوم که از صفحه ۱۲۳- ۱۴۲ را کتاب کرده است. او ابتدا در صفحه ۱۲۳ در آغاز کتاب المفید فی التصریف از زمخشری یادداشت تملکی به این صورت نوشته است: «من اعتصم بالله كفاه، كتبه مالك هذه المجموعة و كاتبها ابو محمد عبدالله بن محمد بن محمد بن عبدالله، سايلا عنه غفر ذنوبه و ستر عيوبه».

و سپس در پایان همان رساله چنین رقم زده است: «تم هذا الكتاب بمون الله و حسن توفيقه على يدى الراجى رحمة الله تعالى عبدالله بن محمد بن محمد بن عبدالله، بلغه الله غاية رجائه فى ربيع الاخر ۷۶۱ سنة ثلث و خمسين و ستمائة» (ص ۱۴۲).

- اما کتاب بعدی، صفحات ۱۴۳- ۲۳۸ را کتاب کرده و دو جای آن رقم زده است؛ نخست رقم رساله «الزاجرة للصغار...» از زمخشری، کتابت شده در صفحه ۱۸۵: «تمت الرسالة الزاجرة للصغار عن معارضة الكبار من انشاء» [الزمخشرى، حررها العبد المحتاج الى رحمة الله تعالى ابونصر عتيق بن عبدالرحمن بن محمد بن عبدالرحمن بن خليل الدين الصديقى، حرره الله و والديه من النار و وقع الفراغ من تحريرها فى يوم السبت لست ليلال بقى من شهر ربيع الاخر ۷۶۱ سنة سبع و خمسين و ستمائة هجرية».

در پایان این انجامه نوشته ای حاکی از مقابله نسخه با دستنویسی که از روی آن کتابت شده به این صورت دیده می شود: «قوبلت الرسالة باصلها المنتسخ منها» (ص ۱۸۵). و رقم بعدی او در پایان رساله ادبیه الغرابة از ابوالفرج اصفهانی، در صفحه ۲۳۸: «تم كتاب ادبا [الغربا] و الحمد لله رب العالمين و صلواته على محمد و آله اجمعين انتسخته اصغر عباد الله تعالى، ابونصر عتيق بن عبدالرحمن ابن محمد بن عبدالرحمن بن خليل الدين بن عمر بن سنان الصديقى احسن الله باله و حقق آماله و قرن بالعوافى عدوه و آصاله و غفر له و لوالديه و لجميع المؤمنين و المؤمنات و المسلمين و المسلمات فى شهر جمادى الاولى لسنة سبع و خمسين و ستمائة الموافق لماه اربيهشت». در انتهای این رساله نیز نوشته است «قوبل» که نشانگر مقابله نسخه است با اصل آن.

- اما رساله آخر رقم بسیار جالبی دارد، زیرا کتاب نام خود را مطابق رموز ابجدی به عدد نوشته که معلوم شد نامش م ح م د / ب ن / ح ی ی (= محمد بن یحیی) بوده است؛ او نوشته است: «و فرغ من تحريره ۴۰- ۸- ۴۰- ۲- ۵۰- ۱۰- ۸-».

۱۰- ۱۰، اصلح الله شأنه و صانه عما شأنه من / فى صفر سنة ۶۵۶» (ص ۳۶۷).

- رساله ما قبل آخر هم گویا به خط شخص دیگری است که به دلیل آسیب دیدن رقم آن نام او از بین رفته است. او در صفحات ۳۰۶ و ۳۰۷ نوشته است: «تمت الالفیات الموسومة بالوجدیات على العبد المذنب الضعيف المحتاج الى رحمة الرب المنعم اللطيف، بعد صلوة الظهر من يوم الاربعاء» [الثامن من شهر النبى، شعبان عمّت ميامنه لسنة احدى و اربعين / تسعين [؟] و ستمائة، و كتبتة ... [بريدگى]].

سرانجام دو توضیح درباره مالکان نسخه: به جز کسی که دو رباعی را در نظامیه اصفهان نوشته بود باید از علی بن محمد مستوفی و نیز میر حسینی قزوینی یاد کرد که هر یک برای مدتی صاحب و مالک این دستنویس بوده اند.

- اولی گویا در قرن هشتم به خط نسخ کهن یک رباعی در صفحه ۲۴۱ نوشته:

«شیرین پسری کی لاف ازو شایدزد
باکان بدرش ۲۲ چنانک [کذا] کزو آیدزد
گفتم مزنش کی فال نیکو رخ اوست
گفتا کی همه فال نکو بایدزد

صاحب و مالک العبد المذنب المحتاج الى رحمة الله تعالى و هو علی بن محمد المستوفى، متع الله به و ... كتبه دهرأ طويلا». - و دومی به گواهی شخصی در عصر حاضر (شاید آیه الله العظمی مرعشی یا شاید نرزند بزرگوارشان) میر حسینی قزوینی است که هشت برگ به آغاز نسخه افزوده و فهرست مطالب آن را روی صفحه اول این اوراق نوشته است. در همین صفحه یک مهر مستطیلی قدیمی به همراه مهر حضرت آیه الله العظمی مرعشی نیز دیده می شود. به نظر می رسد مطلبی که در صفحه آخر نسخه به نقل از جامع الحکایات نورالدین محمد عوفی نوشته شده است به خط همین میر حسینی باشد. والله اعلم بالصواب.

۲۲. حروف اول هر دو کلمه نخست بدون نقطه است.

صفحه دیگر از آن - شامل صفحه عنوان (که لیست محتویات کتاب را دارد به اضافه دستخط مینوی که نوشته است: روز سوم فروردین ماه ۱۳۲۸ در لندن از کتابفروشی لوزاک خرید شده) و دو صفحه دیگر از متن نسخه - می آورم تا بدین شکل برای قضاوت همگان سندی موجود باشد.^{۳۰}

۲۳. احمد ناظرزاده کرمانی، تحلیل دیوان و شرح حال عماد الدین فقیه کرمانی، به کوشش فرهاد ناظرزاده کرمانی، ص ۱۶-۱۷ (سروروش، تهران، ۱۳۷۴).

۲۴. محمدتقی دانش پژوه، فهرست نسخه های خطی کتابخانه آقای مجتبی مینوی، نسخه های خطی، دفتر ششم، ص ۶۸۳ (تهران، ۱۳۴۸)؛ محمدتقی دانش پژوه - ایرج افشار، فهرستواره کتابخانه مینوی و کتابخانه مرکزی پژوهشگاه، ص ۴۹-۵۰ (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۴).

۲۵. احمد منزوی، فهرست نسخه های خطی فارسی، ج ۳، ص ۱۸۸۶ و ۲۳۵۰ و ج ۴، ص ۲۸۱۹، ۲۹۸۶، ۲۹۹۰، ۲۹۹۴، ۳۱۷۴ و ۳۰۷۳ (که این آخری معرفی گلشن راز این نسخه است که در هامش اوراق کتابت شده است).

۲۶. ابوالقاسم رادفر، نامه عماد، ص ۱۲ (انجمن آثار و مفاخر فرهنگی استان کرمان - مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی عماد کرمانی، ۱۳۷۸).

۲۷. فهرستواره کتابخانه مینوی، ص ۵۰-۴۹.

۲۸. از عکس آن که در مرکز احیای میراث اسلامی در قم موجود است استفاده شد. با تشکر از کارمندان و اولیای آن مرکز از جمله آقای سید محمدرضا آصف آگاه.

۲۹. تحلیل دیوان و شرح حال عماد الدین فقیه کرمانی، ص ۱۶.

۳۰. از آثار عماد تا کنون دو تصحیح در ایران منتشر شده است؛ یکی دیوان و پنج گنج او در دو مجلد جداگانه که به همت رکن الدین همایون فرخ عرضه شد و دیگری دیوان او به تصحیح طالبیان و مدبری و مثنوی های او به تصحیح صرغی و کاظمی. در این باره ر.ک: سید علی امیرافضلی، شاعران قدیم کرمان، ص ۵۶۱-۵۶۲ (کازرونیه، ۱۳۸۶). متأسفانه در تصحیح اخیر با اینکه امکان تهیه تصویر نسخه مینوی برای مصححان وجود داشته، آنان از آن استفاده نکرده اند. همچنین مصححان «مثنوی های عماد» در معرفی نسخه های مورد استفاده شان نشان داده اند که چیز زیادی از عالم نسخه خطی نمی دانند. ایشان در مقدمه و در چگونگی تصحیح کتاب نوشته اند: «برای تصحیح کتاب چهار نسخه در اختیار مصححین بود». و سپس از این موارد یاد کرده اند:

- نسخه «هما»: منظورشان چاپ همایونفرخ است که نبایست از آن به «نسخه» تعبیر می کردند.

- نسخه «مر»: آن را متعلق به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران دانسته اند، در صورتی که اصل نسخه در آکادمی علوم شوروی است و میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی نگهداری می شود.

- نسخه «ایا» (اباصوفیا).

- نسخه «اقبا» (اقبال): اصل «نسخه» را متعلق به رادفر دانسته اند، حال آنکه این یکی «نسخه» نیست، بلکه چاپی است از «صفانامه» عماد فقیه که در هندوستان (گویا) چاپ شده است. مشخصات شناسنامه ای این چاپ باید در مقدمه عرضه می شد که نشده است.

۱۳. کلیات عماد فقیه کرمانی در کتابخانه مینوی

در کتابخانه وفقی مجتبی مینوی - که شامل چند نسخه خطی به همراه میکروفیلم و تصاویر دستنویس های مهمی از داخل و خارج کشور و گنجینه ارزشمندی از متون چاپی ایران شناسی و اسلام شناسی است - نسخه ای از کلیات عماد الدین فقیه کرمانی وجود دارد.

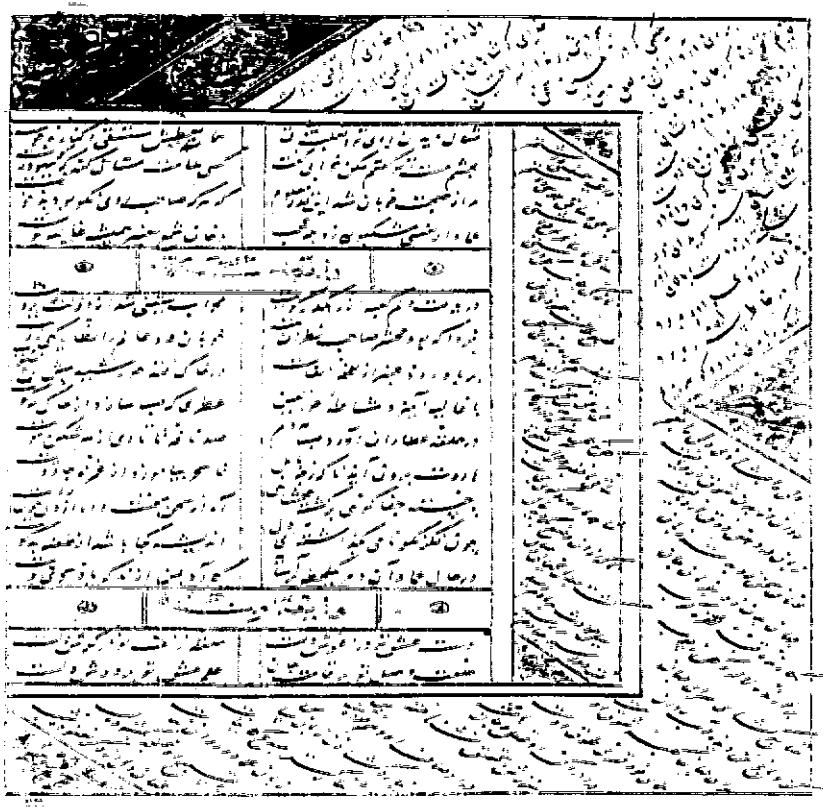
تا کنون دو نفر این نسخه را از نزدیک بررسی کرده و از آن گزارشی عرضه کرده اند؛ یکی احمد ناظرزاده کرمانی است^{۲۳} و دیگری محمدتقی دانش پژوه^{۲۴}. اطلاعات ناظرزاده کرمانی - که مدتی نسخه به رسم امانت نزد او بوده - دقیق و صحیح است اما آنچه دانش پژوه درباره تاریخ دستنویس گفته کاملاً نادرست است. این اطلاع نادرست متأسفانه به منابع دیگر نیز سرایت کرده، مثلاً استاد منزوی^{۲۵} و ابوالقاسم رادفر^{۲۶} هر دو به نقل از دانش پژوه تاریخ کتابت نسخه مینوی را ۷۳۱-۷۵۶ ق اعلام کرده اند. دانش پژوه درباره این دستنویس چنین نوشته است: «مجموعه ۱۲۲. نستعلیق در متن و دو حاشیه نوشته نزدیک ۷۵۰، با فهرست به خط کهن ریز در ص ۶، [= صفحه عنوان] و فهرست دقیق به خط مجتبی مینوی، و زیری^{۲۷}».

تاریخ کتابت بخش های مختلف این دستنویس نیز بین سال های ۷۳۱-۷۵۶ ق دانسته شده است. پس از بررسی این دستنویس^{۲۸} و با دیدن خط نستعلیق آن مشخص شد کتابت نسخه در سال های مزبور صورت نگرفته است، بلکه به نظر من متعلق به قرن نهم یا حتی اوایل قرن دهم ق تواند بود. این نظر تقریباً شبیه اجتهاد ناظرزاده کرمانی درباره نسخه مینوی است؛ وی درباره تاریخ کتابت دستنویس می نویسد: «تاریخ کتابت آن نباید دیرتر از نیمه دوم قرن نهم باشد»^{۲۹}.

حدس من بر این است که دانش پژوه در فهرست کردن این نسخه با دیدن یادداشت آغاز دستنویس که به خط استاد مینوی بوده (حاوی لیستی از محتویات کتاب و تاریخ سرودن منظومه ها در پایان هر کدام) آنها را تاریخ استنساخ دستنویس انگاشته است، بدون آنکه به یادداشت دیگر وی درباره تاریخ کتابت نسخه در پائین همان صفحه توجهی داشته باشد. در این باره مینوی نوشته است: «نسخه تاریخ ندارد، ولی حدس می زنم که از حدود ۸۵۰ ق باشد».

در پایان، تصویر نوشته مینوی در آغاز نسخه را به همراه سه

- ۱ در بیان غزلیات عماد فقیه ترتیب حروف الفبا در حق از ورق اول تا ورق ۱۸۰
- ۲ صفای نامه در حاشیه درونی ورق ۱ تا ۹۵ سال ۷۵۴ ورق ۲۴ نام و لقب کتاب ورق ۳۸ تاریخ ختم کتاب ۷۵۶ ورق ۹۵
- ۳ کتاب قصاید در حاشیه بیرونی ورق ۱ قطعات ۲۵ شواهد متفرقه ۳۱ و سینه ۳۵
- ۴ محبت نامه در حاشیه بیرونی ورق ۳۵ تاریخ کتاب ۷۳۱ ورق ۶۳
- ۵ محبت نامه در حاشیه بیرونی ورق ۶۳ تاریخ کتاب ۷۳۱ ورق ۶۳
- ۶ ده نامه بجز بنام مختلف در حاشیه بیرونی ورق ۳۸
- ۷ کتاب معارف در حاشیه درونی ورق ۹۵
- ۸ طریقت نامه در حاشیه بیرونی ورق ۱۰۳ دل + شهریار ۷۱۶ + ۳۴ تاریخ کتاب: جدول در شماره از مهر ستم = ۷۵۰ ورق ۱۷۷ ولی بهج بقدرت عماد فقیه به جامع عهدیه شود ۵۰ ورق ۱۰۰
- ۹ گلشن راز محمد شمس تری در حاشیه درونی از ورق ۱۱۲ تا ۱۸۲
- ۱۰ کتاب قطعات ۱۷۷ تا ۱۸۰ تاریخ ۷۱۷ ورق ۱۱۵ فخر آرای مراد ولی صکر
- ۱۱ راغبات مرتب حروف الفبا ۱۸۰ تاریخ ۷۱۷ ورق ۱۱۵
- ۱۲ اغزاه و حقیات ۱۸۸ تاریخ ۷۱۷ ورق ۱۱۵





۱۴. یادی از ده پژوهش دربارهٔ مختار نامهٔ عطار

این روزها پس از منطلق الطیور چهار اثر دیگر از مجموعه آثار عطار او به تصحیح استاد بزرگوار دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی روانهٔ بازار شد که عبارت‌اند از مصیبت نامه، اسرار نامه، الهی نامه و مختار نامه که این آخری سومین ویرایش یا به قول غربی‌ها «ورژن» اثر است به تصحیح استاد.

به همین مناسبت بجاست از دو کاری که پیش از این راجع به این مجموعه از رباعیات عطار انجام شده بود یاد کنیم. البته ناگفته پیداست که آن مایهٔ دقت، تیزبینی، تتبع و آگاهی از منابع چاپی و خطی که یکجا در کارهای استاد شفیعی سراغ داریم در کار کمتر کسی در تاریخ متن پژوهی ادبیات فارسی می‌توان نشان داد. دو کاری را هم که یاد می‌کنم من خود ندیده‌ام و شاید بتوان نادیده حکم کرد که در قیاس با کار استاد خود چیزی نیست، ولی به ذکرش می‌ارزد چون گرامیداشت نام دو نفر از اساتید و علاقه‌مندان ادب فارسی است.

نخستین مورد کار استاد سعید نفیسی است. او که به تعبیر استاد افشار از دانشمندان و کتاب‌بازان نامی ایران بود، به دلیل علاقه و اهلی که به مباحث تاریخ ادبیات فارسی و ترسیم نموداری از آثار تألیف شده در طول قرون گذشته داشت، در روزگار خود - که انصافاً متن پژوهی و تصحیح متون بسیار نوپا بود - به دو کار عمده دست زد و از خلال آن دو کار به توفیقی چشمگیر و فوق‌العاده نیز دست یافت؛ یکی گردآوری کتب خطی و دستنویس‌های آثار سرایندگان و نویسندگان فارسی‌گو و فارسی‌نویس و دیگری گردآوری و تدوین آثار بزرگان تاریخ ادبیات از طریق تصحیح‌های نسبتاً شتابزده که این با هدفی که وی دنبال می‌کرد، به نظر من تناقضی نداشت. نفیسی در حوزهٔ مزبور به واقع فوق‌العاده بود و بی‌اندازه پرکار و اگر تنها و تنها دو اثر او یعنی تصحیح لباب‌الالباب عوفی و تاریخ نظم و نثر را در نظر بگیریم که تا ابد الدهر بر اطلاع و نفیس باقی خواهد ماند، می‌بینیم آن مرحوم در راهی که پیش گرفته بود توفیق یافت.

چنان که در یادداشت شمارهٔ «۱۰» گذشت، پس از وفات نفیسی استاد افشار از باقیماندهٔ کتب خطی او و نیز آثار تصحیحی و تألیفی‌اش که به شکل دست‌نوشته باقی مانده بود در منزل آن مرحوم بازدید کرد که در میان آنها «مختار نامهٔ عطار» به چشم می‌خورد که در ۱۳۰۳ ش به اهتمام نفیسی گردآوری شده و شامل ۲۰۹۵ رباعی بود (مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات تهران، سال ۱۹، ص ۳۱).

کار دیگر از استاد هادی ارفع کرمانشاهی است که ده دستنوشته از آن در کتابخانهٔ شخصی آقای سید ناصر میندی در

کرمانشاه موجود است. یکی از این دو دستنوشته که به شمارهٔ ۴۲۳ در کتابخانهٔ نامبرده نگهداری می‌شود، گویا کامل‌تر از دیگری است. دربارهٔ این کار در فهرست استاد اشکوری می‌خوانیم: «... در این نسخه دو هزار و پنجاه و چهار رباعی می‌باشد. نستعلیق، به خط و تحقیق و تصحیح استاد هادی ارفع کرمانشاهی، با نسخه چاپی شفیعی کدکنی و نسخه‌های خطی مقابله شده و در پا نوشت صفحه‌ها، نسخه بدل‌ها با نشانی‌های (س، آ، ب، نو، ج، نو [کذا])، (من) و اساس کار نسخه‌ای است به خط پیر حسین و به تاریخ دههٔ اوسط شعبان ۸۹۳. در پایان مطالبی مربوط به مختار نامه افزوده شده است (این نسخه بار دوم تحقیق و تصحیح ارفع می‌باشد) ...»^{۳۱}.

منظور از «چاپی شفیعی کدکنی» باید چاپ نخست مختار نامه باشد که در ۱۳۵۸ منتشر شد و پیر حسین نیز گویا «پیر حسین کاتب»، کاتب معروف «ترن نهم» است که نسخه‌های دیگری به خط او سراغ داریم^{۳۲}. گفتمنی است تاریخ کتابت تمامی نسخه‌های استفاده شده؛ چاپ جدید استاد شفیعی از ۸۹۳ ق قدیمی‌تر است.

۱۵. ماجرای دیوان عطا ملک جوینی

در فهرست کتابخانهٔ دانشگاه استانبول که فارسیات آن درخور توجه و موارد بعضاً کمیاب و ارزشمند در لابه‌لای آن فراوان است، نسخه‌ای به شمارهٔ ۴۸۵ - موزه نگهداری می‌شود که شامل برگزیدهٔ اشعار چهار شاعر فارسی‌گوست. این نسخه اشعار برگزیده‌ای از همام تبریزی، عطا ملک جوینی، عبدالمجید تبریزی و خواجه مسعود خراسانی را در بر دارد و به خط آقاخان کرمانی، حدود ۱۲۰ سال قبل در شهر استانبول کتابت شده است. آقاخان بنا بر رقم پایانی‌اش بر دیوان عطا ملک، زمانی که در منزل میرزا حبیب اصفهانی در استانبول مهمان بوده است، از روی مآخذی (حتماً دستنویس) متعلق به «کتابخانهٔ عمومی» (شاید کتابخانهٔ عمومی بایزید) این دیوان‌ها را به رسم یادگار کتابت کرده است^{۳۳}.

۳۱. سیداحمد حسینی اشکوری، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ شخصی میندی (کرمانشاه - ایران)، دفتر دوم، ص ۱۰۸-۱۰۹ و ۱۶۱ (مجمع ذخائر اسلامی، قم، ۱۳۸۵).

۳۲. دربارهٔ او به جز احوال و آثار خوش‌نویسان مرحوم بیانی رک: سلیم نیساری، نسخه‌های فطی حافظ (سدهٔ نهم)، ص ۱۲۰-۱۲۵، (مرکز حافظ‌شناسی، شیراز، مهر ماه ۱۳۸۰).

۳۳. در این باره رک: توفیق هاشم پورسبحانی، حسام‌الدین آق‌سو، فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانهٔ دانشگاه استانبول، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ص ۲۲۴ (چاپ اول، ۱۳۷۴).

در نسخه هویداست. کاتب که دستنویس را در ساوجبلاغ کردستان کتابت کرده است، در رقم نهایی خود مطالبی دارد که در تعیین احوالش راهگشااست. او در این یادداشت پایانی از ۵۵ سالگی خود یاد کرده و می گوید که پس از بیست و پنج سال خدمتگزاری بی حاصل هیچ حال و مالی ندارد و از خدا می خواهد که او را با اطفال و عیال خود به وطن مألوف و منزل مراد برساند و سپس درباره کیفیت کتابت نوشته است: «علی سبیل الاستعجال بتاریخ شهر محرم الحرام سنه خمس و ثمانین بعد الالف من الهجرة النبویة نوشته شد» (۶۱ الف).

نام کاتب و وطن مألوف او از رقم های دیگری که در سرتاسر مجموعه چند بار زده است به دست می آید. او از «الویر» است که از توابع ساوه محسوب می شود و نامش هم «صادق علی بن رحمت الله» است. صادق علی این نسخه را به جهت فرزندش حسن علی کتابت کرده است. برای تکمیل مطلب دو مورد از رقم های دیگر او را می آورم:

«قد فرغ من تحریر هذا الكتاب فی دهم شهر رمضان المبارك سنه ۱۰۸۵، صاحبه ومالکه فرزندی ارجمندی حسن علی ابن العبد، اقل خلق الله، صادق علی بن رحمت الله الویری من توابع بلدة ساوه» (۶۲ الف).

«وقع الفراغ من تحریر هذه المنشآت فی ليلة المباركة رابع عشر من شهر شعبان المعظم فی شهر سنه ست و ثمانین بعد الالف، سنه ۱۰۸۶ در دار البروده ساوج بلاغ کردستان علی سبیل الاستعجال قلمی نمود، بعون الله الملك المعبود. حرره العبد اقل خلق الله صادق علی ابن رحمت الله الویری من توابع بلدة طیبه ساوه غفر الله ذنوبهما و ستر علی الناس عیوبهما بالنبی و الوصی و آله و اولاده ائمة المعصومین صلوات الله علیه و علیهم اجمعین الی یوم الدین، بجهة فرزند ارجمند، قره العیونی، از عمر برخورداری، حسن علی اطال الله عمره قلمی گردید. امید که بخیر و خرم مطالعه نماید، آمین یا معین، تم بالخیر.

گر بهم بر زده بینی خط من عیب مکن
که مرا محنت ایام بهم بر زده بود» (۲۱۸ پ)

۳۴. علی بن ابی حفص بن فقیه محمود الاصفهانی، تحفة الملوك، علی اکبر احمدی دارانی، میراث مکتوب، چاپ اول، ۱۳۸۲، در مقدمه آن نخستین معرفی نامه ها و چاپ اول آن به تصحیح سید حسن تقی زاده معرفی شده است. درباره این تصحیح استاد علی اشرف صادق مقاله ای دقیق دارد.
۳۵. برای آگاهی از تمام دستنویس های آن ر. ک: احمد منزوی، فهرستواره کتاب های فارسی، ج ۶، ص ۳۷۲، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۳۶. سیدجعفر حسینی اشکوری، سیدصادق حسینی اشکوری، فهرست نسخه های عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی، زیر نظر سید احمد حسینی اشکوری، ج ۳، ص ۴۷۱-۴۷۳ (قم، ۱۳۸۰).

اینکه نسخه ای که آقا خان از روی آن این برگزیده ها را فراهم کرده اکنون کجاست و آیا قدیمی است یا جدید و هر چیز دیگری، اکنون بر ما پوشیده است و پیگیری اش هم برایم ممکن نیست. اما سال گذشته به تصویر بخش اشعار عطا ملک جوینی به لطف کتاب شناس و فهرست نگار فاضل جناب آقای حسین متقی دست یافتیم. با بررسی این نسخه - که برای اولین بار پیش به ایران باز شده بود - دریافتیم شامل اشعاری است با تخلص «جهان». بلافاصله ذهنم معطوف به جهان ملک خاتون (همشهری همعصر حافظ) گردید که نهایتاً معلوم شد اشعار هموست. حتماً آقا خان «جهان ملک» را «عطا ملک» خوانده یا این التباس در مآخذ او رخ داده بوده است که در ادامه باعث شده نسبت «جوینی» هم به نام شاعری افزوده شود.

اما لطفی که این نسخه دارد، نویافته های بسیاری است که از جهان ملک خاتون به دست می دهد. این نویافته ها شامل سی و پنج غزل و مقداری بیت تازه (در میان غزلیاتی که اصلشان در دیوان موجود است) می باشد. با بررسی این دستنویس و تصحیح نویافته ها و نیز با نگاهی به چند مآخذ جنگی دیگر گفتاری مفصل شکل گرفت که به امید خدا در مجموعه «نسخه پژوهی ۴» منتشر می شود.

۱۶. هدیه الملوك، التحالی از تحفة الملوك

از علی بن ابی حفص بن فقیه محمود الاصفهانی (مؤلفی از سده ششم یا اوایل هفتم ق) کتابی به فارسی در حکمت و اخلاق در پانزده باب باقی مانده است که از جنبه های گوناگون ارزشمند است^{۳۴}. از این کتاب دستنویس های خوب و کهنه ای باقی مانده است که در تصحیح از آنها استفاده شده است^{۳۵}.

اما آنچه باعث نوشتن این یادداشت شد، آگاهی یافتن از کتابی است که نسخه ای از آن در کتابخانه فاضل خوانسار به شماره ۳۱۷ وجود دارد که از عکس آن در مرکز احیای میراث اسلامی به شماره ۱۱۸۶ استفاده کردم^{۳۶}. این کتاب هدیه الملوك نام دارد که در دیدار اول نشر آن را بسیار کهنه یافتیم و با وجود جدید بودن تاریخ کتابت نسخه آن را مهم و قدیمی تلقی کردم. اما پس از مقایسه آن با تحفة الملوك متوجه شدم که همان کتاب است که فقط در دیباچه تغییراتی یافته و اندکی از مطالب آن حذف شده است.

ابتدا وصف نسخه خوانسار را می آورم و سپس به تغییری که منتحل در تحفة الملوك اعمال کرده اشاره ای خواهم کرد. هدیه الملوك مورد بحث از برگ ۲۸ ب تا ۶۱ الف از مجموعه ۳۱۷ خوانسار را تشکیل می دهد. هر صفحه این نسخه هفده سطر دارد. متن به خط نستعلیق متمایل به شکسته و عربیات بعضاً به خط نسخ و به قلم درشت تر کتابت شده است. آثار تصحیح نیز

اما بخش‌های تغییر یافته یا حذف شده از دیباچه تحفة الملوک که اعمال شده تا هدیه الملوک شکل بگیرد، به این تفصیل است که پس از جمله «بسم الله الرحمن الرحیم» در کتاب هدیه الملوک و هدایة السلوک و پس از عبارت «اما بعد»، «شکر و سپاس بی قیاس ...» آمده که از این پس همان متن تحفة الملوک است. این نقل تا جمله «... پیشوای اهل دین و ملت اند، باد الی یوم التناد» ادامه می‌یابد (تحفة الملوک، ص ۱، چاپ آقای احمدی دارانی) و از این به بعد حذفیات آغاز می‌شود. مؤلف (منتحل) هدیه الملوک قسمتی از تحفه را که نام مؤلف اصلی را داشته (مطابق با سطر آخر از صفحه ۱ تا سطر ۸ از صفحه ۲ چاپی) حذف کرده و پس از «... یوم التناد» آورده است: «آغاز کتاب و این مشتمل بر پانزده باب است» (مطابق با صفحه ۲ چاپی، سطر ۹ به بعد). ابواب پانزده گانه هدیه الملوک همان عناوین تحفة الملوک است البته با تفاوت‌های وازگانی. آخرین حکایتی هم که در هدیه آمده است حکایت مرگ اسکندر است مطابق با صفحه ۱۳۲ چاپی تحفة الملوک.

در باره نشر کتاب تفاوت‌های بسیاری بین دو اثر هست. همچنین در شواهد شعری کاستی‌ها و افزوده‌هایی بین دو کتاب دیده می‌شود. با این اوصاف شاید نتوان عنوان انتحال را درباره ارتباط این دو صادق دانست، چرا که چنین کارهایی نزد علمای متقدم چنان جا افتاده و مرسوم بوده که کوچک‌ترین احساس گناهی درباره آن نمی‌کرده‌اند. بحث در این باره را به همین جا ختم می‌کنم تا اگر لزومی داشت، کسی به مقایسه هدیه الملوک و تحفة الملوک بپردازد. نمی‌دانم شاید هم هدیه الملوک باید به عنوان تحریری جدید از تحفة الملوک تصحیح و منتشر شود.^{۳۷}

۱۷. نسخه‌ای دیگر از صحاح الفرس محمد بن هندوشاه نخجوانی نخستین بار عبدالعلی طاعتی در شماره هفتم از سال دوم مجله یادگار (اسفند ۱۳۲۴ ش) از نسخه خطی کاملی که از صحاح الفریس پسر هندوشاه نخجوانی در اختیار داشت، سخن گفت و نام این کتاب را مطرح کرد و اشتباهی را که عباس اقبال در خلط هویت آن با صحاح المعجم کرده بود اصلاح نمود. او چندی بعد این کتاب را بر اساس همان نسخه کامل خودش و نسخه دهخدا و نسخه داعی الاسلام، مؤلف فرهنگ نظام که به دست دکتر صادق کیا افتاده بود، تصحیح نمود، تصحیحی که از آن در آبان ۱۳۳۸ به عنوان پایان نامه دکتری - با حضور استاد فروزانفر، استاد پور داود و دکتر معین - دفاع کرد.^{۳۸}

غرض یادی بود از بزرگانی که رفتند و نیز معرفی نسخه‌ای دیگر از این فرهنگ که نسخه‌های بسیار نادر الوجود است.

نسخه مورد بحث این نوشته در کتابخانه مدرسه فتحعلی بیگ شهر دامغان به شماره ۱۹۲ نگهداری می‌شود. این نسخه که آقای سید جعفر اشکوری چند سال قبل آن را در دامغان دیده و فهرست کرده بود، در مجموعه‌ای قرار دارد به خط نستعلیق عبدالوکیل بن محمد باقر مورخ ۱۱۰۹ ق. از آغاز تا برگ ۵۶ این مجموعه را صحاح الفرس تشکیل می‌دهد و باقی اجزا عبارت‌اند از: بیست باب خواجه نصیر و حساب علاء الدین قوشچی^{۳۹}. در پایان باید اشاره کنم به اشتباهی که احتمال می‌دهم در فهرست نسخه‌های خطی فارسی استاد منزوی (ج ۳، ۱۹۳۰) درباره این کتاب پیش آمده باشد. گویا سه نسخه‌ای که از صحاح الفرس در این فهرست معرفی و از کتابخانه بادلیان آکسفورد دانسته شده، دستنویس‌هایی باشد از صحاح المعجم که ربطی به صحاح الفریس ندارد.^{۴۰}



۳۷. نسخه دیگری از این کتاب در کتابخانه حضرت آیه الله العظمی مرعشی (ره) به شماره ۲۴۳۷ نگهداری می‌شود رک: سیداحمد حسینی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه حضرت آیه الله العظمی نجفی مرعشی، ج ۷، ص ۳۴. این نسخه که به خط نستعلیق مایل به شکسته کتابت شده بسیار خوش خط و سالم است. کتاب در پایان برگ ۱۲۸ - ب تاریخ اتمام کتابت را که «به خواهش مخدوم معظم جناب فضایل مآب، شیخ المشایخ، آقا شیخ محمد دام مجده» انجام شده، «یوم یکشنبه ۱۵ شهر جمادای الاول مطابق سال تنگوز ثیل سنه ۱۲۶۸» نوشته است. بر اساس فهرست دانشگاه استانبول که درباره اثری موسوم به «هدیه الملوک و هدایة السلوک فی التوحید» اطلاعی ناقص عرضه کرده، شاید بتوان گفت نسخه‌ای نیز از این کتاب در دانشگاه استانبول موجود است، رک: توفیق هاشم پورسبحانی، حسام الدین آق سو، فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول، ص ۲۲۲ (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۴). همچنین ر ک: احمد منزوی، فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۶، ص ۶۹۶. به نظر می‌آید آنچه در این منبع از هدیه العارفین بغدادی نقل شده، راجع به کتاب دیگری باشد موسوم به هدیه الملوک فی الاخلاق و السلوک و علی الظاهر ربطی به مورد بررسی شده در این گفتار ندارد.

۳۸. رک: محمد بن هندوشاه نخجوانی، صحاح الفریس، به اهتمام عبدالعلی طاعتی، ص ۹-۱۹ (چاپ دوم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۲۵۳۵).

۳۹. سیدجعفر حسینی اشکوری، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه علمیه فتحعلی بیگ (دامغان - ایران)، (مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۶). متأسفانه پس از پیگیری برای تهیه عکس این نسخه از مجمع ذخائر اسلامی در قم معلوم شد این فهرست سالیانی پیش از آنکه برنامه عکس برداری جزو قسمت‌های اصلی کار مجمع قرار گیرد تهیه شده و تصویری از آن در قم وجود ندارد.

۴۰. در این باره رک: نشریه نسخه‌های خطی، ج ۳، ص ۴۲-۴۳ که مأخذ فهرست منزوی هم بوده است. صحاح المعجم فرهنگ دیگری است که به اهتمام غلامحسین بیگلری در ۱۳۶۱ ش در مرکز نشر دانشگاهی منتشر شد و بحثی دراز دامن دارد.